



نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند (12)

پدیدآورده (ها) : گلی زواره، غلامرضا
فلسفه و کلام :: درس‌هایی از مکتب اسلام :: آبان 1396 - شماره 678
از 36 تا 45
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1333675>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع

در شبه قاره هند

(۱۲)

در شماره گذشته (مهر ماه ۹۶) درباره مخالفت «اورنگ زیب» با تشیع و شیعه بودن بسیاری از کارگزاران او و سختگیری او در مورد پیروان ادیان دیگر - به جز اسلام - و سنت‌گرایی بدون تجمل او و آثار فرهنگی عصر وی مطالبی تقدیم کردیم و اینک ادامه بحث:

مرکز سرزمینی به همین نام بود که بعدها «کسال» نامیده شد. اوده بخش بزرگی از فلات آبرفتی شمال هند است که حدود ۵۴۰۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. پنال در شمال، الله آباد در جنوب، آگره در غرب، بنارس و

سرزمین اوده؛ پایگاه گسترش فرهنگ تشیع در شمال هند از مراکز گسترش فرهنگ تشیع در شمال شبه قاره هند، قلمروی به نام «اوده» می‌باشد. نام اوده برگرفته از عنوان شهر باستانی «آیودھیا» است که

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

تصرف شد و حدود نود سال تحت فرمان آن سلسله قرار داشت. در ۸۸۹ق بهلول لودی سلسله شرقی را سرنگون ساخت و اوده در قلمرو سلاطین لودی قرار گرفت.

در دوره حکومت بابر (۹۳۷-۹۳۲ق)، اوده بخشی از سرزمین مغولان هند بود و مالیات مناسبی از آنجا به دربار وی فرستاده می شد. در ایام فرمانروایی اکبر شاه گورکانی، اوده یکی از صوبه های دوازده گانه بود. در ۱۰۱۰ق، شاهزاده سلیم که بعدها با لقب جهانگیر به حکومت رسید، پس از عصیان و شورش در برابر پدرش، در اوده پایگاه هایی به وجود آورد و خود را شاه خواند. بعد از مرگ اورنگ زیب در ۱۱۱۹ق و ضعف حکومت مرکزی هند که باعث قدرت یافتن حاکمان منطقه ای گردید، در اوده، نوابان دارای

گورکھپور در شرق اوده قرار دارند. آب مورد نیاز زمین های آن را رودخانه هایی چون گنگ، گومتی، گوگرا و راپتی تأمین می نمایند. بخش وسیعی از اوده را جنگل های استوایی می پوشاند. پس از استقلال هند با تشکیل ایالت اوتارپرادش در سال ۱۹۵۰م/۱۳۲۹ش، اوده به صورت بخش های جداگانه لکهنو و فیض آباد جزو این ایالت گردید.

درباره ورود اسلام به اوده، آگاهی دقیقی در دست نمی باشد. عبدالرحمان چشتی، فتح اوده را مربوط به دوره محمود غزنوی (۴۲۱-۳۸۹ق) می داند که به فرماندهی سالار مسعود غازی تسخیر شد. منہاج سراج فتح اوده توسط رزمندگان مسلمان را مربوط به زمان قطب الدین ایبک دانسته و نوشته است: اوده توسط خواجه جهان شرقی بنیان گذار سلسله شرقی جونپور

اوده در ایران بدان جهت معروف است که حاکمان ایرانی تبار آن به سوگواری برای اهل بیت، رواج عزاداری خامس آل عبا، احداث حسینیه‌ها، تکایا در لکنهو اهتمام فراوان داشتند و به وعاظ، روضه‌خوانان، اهل منبر، مداحان اهل بیت و مبلغان شیعه کمک‌های مالی فراوانی می‌رسانیدند. مهم‌تر از همه آن که هر سال مبالغ قابل توجهی جهت طلاب عتبات عراق به مراجع نجف تقدیم می‌کردند و این کمک مالی موجب رفاه مدرسان و طلاب شیعه و رونق حوزه‌های علمیه بود^(۲).

نفوذ و قدرت فراوان شدند^(۱). از عجایب تاریخ هند آن است که اوده (ایودیا) که امروزه در کنار رود گوگرار و در شهرستان فیض‌آباد واقع شده است، از هفت شهر مقدس هندوان بوده و با ظهور اسلام و فتح آن توسط مسلمانان، در اواخر حکمرانی مغولان، توسط عده‌ای از سادات نیشابوری به عنوان منطقه‌ای شیعه‌نشین درآمد و از آن‌جا فرهنگ شیعه به نواحی شمالی هند گسترش یافت تا آن‌که بعد از شورش هند، حکمرانی آنان بر این ناحیه خاتمه یافت و لکنهو و اوده و سایر متصرفات ایشان جزو مستعمرات انگلیس قلمداد گردید. هنگامی که لکنهو آباد گردید و مرکز مذهبی و فرهنگی و سیاسی شیعیان شد، از اهمیت اوده کاسته شد. از آثار مهم اوده مسجد ظهیرالدین بابر است که آن را در جای بتکده زادگاه رام بنا کرده‌اند، اما نام

۱. طبقات ناصری، منهج سراج، به کوشش عبدالحی حلیچی، ج ۱، ص ۴۲۳-۴۰۷، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۱۸-۴۱۷.
۲. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلستان در قرن نوزدهم، محمود محمود، ج ۶، ص ۱۷۴۲، دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۹۲.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

پرتوافشانی تشیع در فیض آباد

چندی پس از این که اورنگ زیب امیران شیعه دکن را مغلوب کرد، حکومت شیعه دیگری در شمال هند به قدرت رسید که مرکز حکومت آن لکنهو بود. این سلسله به حاکمان شیعه اوده موسومند که نسب خود را به حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌رسانند.

میر محمدامین موسوی - بنیان‌گذار پادشاهی اوده - از خانواده‌های اصیل سادات بود که این طایفه از علویان، در پی اقامتی طولانی در نیشابور، در خراسان بزرگ، کسب اعتبار و احترام نموده بودند. پدر میر محمدامین از کارگزاران بهادرشاه بود و پس از مرگش، فرزندش راهی هند گردید. او در زمان فرخ‌سیر و به حمایت سادات، راه ترقی را پیمود و خدمات ارزنده‌اش باعث شد از همان ایام به مقامات عالی ارتقا یابد. شیوه برخی کارگزاران

در عزل امپراتور و نصب دست‌نشانده خودشان به جای او که در فاصله کمی صورت گرفت، میر محمدامین را بر آن داشت تا نقش فعالی در براندازی این افراد ایفا کند. محمدشاه به دلیل این موفقیت میر محمدامین، به وی لقب بهادر داد و در سال ۱۱۳۴ ق حکومت اوده را به او بخشید. این منطقه از زمان بابر بخشی از قلمرو مغولان بود. دیری نپایید که او را برهان‌الملک لقب دادند. میر محمدامین که به سعادت‌خان شهرت یافت، غالباً در اجودهن اقامت داشت، اما قلعه‌ای نیز به نام ماچی بهاون در لکنهو داشت و چون به لکنهو می‌آمد، دیگر به قلعه مزبور نمی‌رفت، بلکه در منزل اجاره‌ای به سر می‌برد.

میر محمدامین خان (سعادت خان) با استفاده از ضعف قدرت مرکزی و یاری گروهی از شیعیان، قدرت برتر هندوان را در اوده از میان برد و فیض آباد را به عنوان مرکز حکومت

خود برگزید.

۱۱۴۵ق، تعدادی از علما، شیعیان،

در سال ۱۱۵۲ق هنگام یورش نادرشاه به هند، محمدشاه از سعادت‌خان استمداد نمود و او هم پذیرفت و به یاریش شتافت. در این درگیری، سعادت‌خان مجروح و به دست ایرانیان افتاد. در برخی منابع آمده است که به اشاره او، پیشنهادهایی برای صلح عنوان گشت که به موجب آنها سلطان می‌بایست به دیدار نادرشاه برود و مقداری وجه نقد به رسم هدیه تقدیم وی کند و ترتیبی دهد تا نادر بعداً به مدت دو ماه در شاه جهان‌آباد میهمان محمدشاه گردد. در همین ایام قوای سعادت‌خان به قلمرو او بازگشتند و نادرشاه به او خلعت پوشانید و اجازه داد تا به‌طور خاصی شرفیاب شود و بدین ترتیب سعادت‌خان نماینده تام‌الاختیار حاکمان ایران و هند گشت^(۱).

سادات و بازرگانان ایرانی به ملتان در پنجاب رفته، از آن‌جا به سوی شهرهای گجرات، دهلی و بنگال پراکنده شدند. بعد از تأسیس حکومت شیعه و ایرانی در ایالات اوده در شمال هند، شماری از آنان به فیض‌آباد مهاجرت کردند و از سوی حاکمان دولت مزبور به برخی از این ایرانیان مهاجرکه لیاقت و کفایت داشتند، مناصب بزرگی اعطا گردید و این مهاجران در شمال هند، دهلی، گجرات و بنگال نقش به‌سزایی در ترویج فرهنگ تشیع داشتند. با تبلیغات گسترده این شیعیان ایرانی مستقر در قلمرو دولت اوده، عده‌ای از مسلمانان سنی‌مذهب و هندوها، مذهب اهل بیت را برگزیدند که باعث افزایش شمار شیعیان در این منطقه

۱. تشیع در هند، ص ۱۷۳-۱۷۲، دائرة المعارف

بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۴۱۷.

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

گردید. گسترش مراسم سوگواری برای اهل بیت بخصوص حضرت ابا عبدالله الحسین در این منطقه نقش مهمی ایفا کردند^(۱).
به خاطر حمایت‌های سعادت‌خان، اوده مرکز استقرار علما، ادبا، حکما و مهد علوم، معارف و فنون گردید.

سعدت علی‌خان و جانشینان او
برای ترویج سنت‌های شیعه و مراسم عزاداری‌های محرم و صفر کوشش‌های زیادی نمودند. **صدرجهان بیگم** (متوفی ۱۲۱۰ق) - مادر بزرگ آصف‌الدوله - حسینیه بزرگی به نام **بهوبیگم** در فیض‌آباد احداث نمود. او هدایایی به مبلغ صد هزار روپیه برای نجف اشرف و کربلا ارسال نمود.

بعد از حمله نادر به هند، شمار فراوانی از سربازان ایرانی که همگی شیعه بودند، در دهلی ماندگار شدند و عده‌ای از آنان به ایالت اوده مهاجرت کردند و منصب‌های مهمی در ارتش و سازمان‌های اداری و دولتی به دست آوردند. این‌ها هم در ترویج تشیع و

بزرگ‌ترین مرکز علمی، فرهنگی و اقتصادی شیعیان هند

سعادت علی‌خان به دلیل جراحاتی که بر او وارد آمد و یا بر اثر سمی که به وی خورانیدند، درگذشت. نقش ماهی، نشان حکومت سعادت علی‌خان بود و گفته‌اند: علت این انتخاب آن بود که برج حوت برای این خاندان میمون و مبارک بوده است، ولی یکی از ساکنان لکنه‌و گفته است: روزی که سعادت خان در

۱. سوانحات سلاطین اوده، کمال‌الدین حیدر حسینی، ص ۱۸۷ و ۲۳۵، نقش علمای مهاجر ایرانی در ترویج تشیع در لکنه‌وی هند، حمیدرضا ضابط، مشکوة، ش ۸۷، تابستان ۱۳۸۴، ص ۹۹-۹۸.

ساحل رود جمّو مشغول اقامه نماز بود و در قنوت اذکاری را بر لب می آورد، ناگهان یک ماهی از آب بیرون پرید و در کف او افتاد. از این واقعه چندی نگذشت که او حکومت اوده را به دست آورد. بعد از مرگ میر محمدامین معروف به سعادت علی خان، برادرزاده اش -منصور- با لقب صفدر جنگ و نصیرالدین، زمام امور دولت شیعی اوده را به دست گرفت. او در سال ۱۱۵۲ق وزارت امپراتوری مغولان هند را یافت و افزایش نفوذ نواب اوده در دستگاه حکومت مرکزی، باعث گسترش نفوذ ایرانیان در دستگاه حکومت مغولان در هند گردید. صفدر جنگ امیری سخت پای بند به آداب مذهبی و ملتزم به موازین اعتقادی و شرعی بود. او در زمان وزارت امپراتوری گورکانیان در دهلی موفق شد شورش افغانها و مراتها را در این شهر سرکوب کند.

صفدر جنگ مدتی مشغول امور وزارت بود و اداره منطقه اوده را به نایب خود سپرد. در این زمان هم فیض آباد مرکز حکمرانی این سلسله بود و از اهمیت لکنهو کاسته شد. در ایامی که وی در خارج از دهلی مشغول نبرد بود، خواجه ای به نام جواد خان -از مقربان مادر امپراتور- در صدد برآمد تا بر صفدر جنگ هجوم آورد و قدرت افزون تری کسب نماید، اما این امر او را رویاروی نواب وزیر قرار داد و سرانجام به تدبیر حاکم اوده -صفدر جنگ-، جواد خان از میان برداشته شد. این واقعه به نزاعهای دیگری منجر شد تا آنکه مخالفان و دشمنان صفدر جنگ به امپراتور گزارش دادند که وزیر مزبور می کوشد برادر کوچک محمدشاه را که شیعه و همکیش و نامش بلند اختر است، بر جای محمدشاه به حکومت برساند.

امپراتور به این گزارشهای دروغ

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

محمدعلی شجاع‌الدوله - دومین نواب وزیر - از پسران صفدر جنگ بود. در زمان شاه عالم (بهادر شاه اول) وی را به مقامی که پدرش از دست داده بود، گماشتند و سیطره‌اش بر مملکت اوده تأیید شد و در سال ۱۱۷۹ ق غازی پورو بنارس به قلمرو او افزوده شد.

شجاع‌الدوله در مقابل تهاجم قوای بریتانیا در رأس جماعت ایرانیان باقی ماند. بر خلاف ادعای نورمن هالیستر، شجاع‌الدوله نه تنها با کمپانی هند شرقی و کارگزاران و نظامیان انگلیسی روابط دوستانه‌ای نداشت، بلکه کوشید جلوی نفوذ استعمارگران انگلیسی را بگیرد و از این رو در جنگ تاریخی بکسر که در ۲۲ اکتبر ۱۷۶۴ م / ۱۱۷۸ ق در بنگال رخ داد، با ارتش بریتانیا که از تجهیزات پیشرفته نظامی برخوردار بود درگیر شد، ولی به دلیل عدم دریافت کمک از سوی امپراتوری

مخالفان صفدر جنگ اعتماد کرد و وی را از مقامش عزل کرد. صفدر جنگ هم از وزارت کناره گرفت و به سرزمین اوده بازگشت.

صفدر جنگ در روز ۱۷ ذی‌حجه ۱۱۶۷ ق به نقلی در دهلی و بنا به نقل دیگر در فیض‌آباد، چشم از جهان فرو بست. پیکرش را در باغ مصفایی که پوشیده از گل سرخ بود و گلاب‌بای خوانده می‌شد و صفدر خودش آن را مرتب ساخته بود، موقتاً نگاه داشته شد و بعداً جنازه‌اش را به دهلی منتقل کردند و در آرامگاهی نزدیک قبر همایون مدفون کردند.

جانشین صفدر جنگ - شجاع‌الدوله (۱۱۸۸-۱۱۶۷ ق) - دومین نواب وزیر، گنبد و بارگاهی باشکوه بر روی مرقد این سید فرمانروا بنا نمود که یکی از آثار باشکوه دهلی به‌شمار می‌آید و از مقابر بسیار زیبای هند می‌باشد.

وجود دارد، از سراسر هند، اعم از اهل علم، هنرمندان، ادیبان و تاجران دسته‌دسته به آن جا می‌آمدند. در گزارش‌های تاریخی آمده است که عبور از خیابان‌ها، به‌ویژه از **چوک بازار**، با دشواری توأم بود. انواع بی‌شماری از اجناس و کالاهای گوناگون عرضه می‌گردید. بازرگانان ایرانی، تورانی، چینی و اروپایی کالاهای گران‌بهای خود را برای فروش به بازار فیض‌آباد می‌آوردند و از راه‌های مختلف بهره می‌بردند. کارگزارانی ماهر و مجرب برای تعلیم پیاده‌نظام، ریختن توپ و ساختن ساز و برگ جنگی استخدام شده بودند.

همسر شجاع‌الدوله مسجد و امام‌باره‌ای در نزدیکی **موتی باغ** ساخت و **داراب علی خان** نیز یک امام‌باره بلند آجری با طول و عرض کافی به جای بنای چوبی قدیمی بنا کرد. وقتی **باهو بیگم** -همسر شجاع‌الدوله- درگذشت، او را در

گورکانی در دهلی و هندی‌های دیگر مناطق، قوای وی در این نبرد شکست خوردند و این عقب‌نشینی به قدرت یافتن کمپانی هند شرقی انگلیس در ایالت **بنگال هند** انجامید.

با این حال شیعیان هند این افتخار بزرگ و فراموش‌نشدنی را برای خود ثبت کرده‌اند که اولین جنگ علیه قدرت استعماری انگلیس را هدایت و رهبری نموده‌اند.

ضمناً شجاع‌الدوله در امور امپراتوری نیز دخالت داشت. او غالب اوقات خود را در فیض‌آباد -مرکز حکومت سادات اوده- که اهمیت قابل توجهی یافته بود، می‌گذرانید. نواب وزیر -شجاع‌الدوله- مصمم بود فیض‌آباد در جنبه‌های گوناگون ارتباطی، رفاهی، فرهنگی و اقتصادی راه ترقی و توسعه را ببیماید و هر چه زودتر به مقام و موقعیت دهلی ارتقا پیدا کند. مردم که می‌دیدند رفاه و امنیت و امکانات خوبی در فیض‌آباد

نفوذ و گسترش اسلام و تشیع در شبه قاره هند

در محل کشمیری گیت دهلی به نام پنجه شریف معروف است و قبرستان شیعیان هم در همین محل واقع است. در دوران حکومت نواب شجاع الدوله، فیض آباد - مرکز حکومت اوده - به بزرگترین مرکز دینی، علمی و فرهنگی شیعیان در هند تبدیل شد.

سِرْ هَنری لارس در وصف شجاع الدوله می گوید:

«او شهریاری باکفایت، پرقدرت و باکیاست و فراست بود و از خصال و صفات فرمانروایان چیزی کم نداشت».

نواب شجاع الدوله در ۲۴ ذی قعدة ۱۱۸۸ ق درگذشت و پیکرش در گلاب باری فیض آباد به خاک سپرده شد. مقبره اش را حسن رضا خان ساخت و مخارج آن را فرزندش آصف الدوله پرداخت^(۱).

جایی که می نشست، دفن کردند. قبرش را با تربت مقدس کربلا که از قبل به همین منظور آورده بودند، پوشانیدند و جسد او را بر رویش قرار دادند. هزار قاری در سراسر شب تا هنگام برآمدن سپیده و زوال سایه بر مزار او مشغول تلاوت قرآن بودند.

نجف خان از سرداران شیعه در منطقه اوده، واحدهای قدرتمند نظامی را در دهلی تشکیل داد. مراسم سوگواری های محرم و صفر در دهلی توسط وی احیا گردید. در ایام فرمانداری نجف خان، شماری از خانواده های اهل سنت در شمال هند شیعه شدند. در ایالات پنجاب و سند هم شماری از پیروان اهل تسنن به مذهب شیعه درآمدند.

نقش پای مبارک امام علی (ع) در دهلی در این دوران به مهم ترین مرکز دینی شیعیان مبدل گشت و این مرکز به شاه مردان معروف شد.

محل نقش دست مبارک امام اول

۱. سید المتأخرین، غلامحسین طباطبایی، ج ۲، ص ۷۷۰-۷۶۸، بیان واقع، عبدالکریم خان،